



جلسه: ۱۰۱
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

منابع مالی حکومت اسلامی

منبع چهارم: اموال اشخاص از دنیا رفته در موارد خاص

چهارمین منبع از منابع مالی حکومت اسلامی، موارد خاصی از اموال اشخاصی است که از دنیا رفته‌اند.

مورد پنجم: زن و شوهر در صورت انحصار وارث در هر یک از آنها

مورد پنجم از مواردی که اموال شخصی که از دنیا رفته، متعلق به حکومت اسلامی دانسته شده، زن و شوهری است که غیر از خودشان وارث دیگری نداشته باشند؛ یعنی در صورت مرگ زن، تنها وارث او شوهرش باشد و در صورت مرگ مرد، تنها وارث او همسرش باشد.

بنابراین درباره ارث بردن زن و شوهر از یکدیگر دو صورت وجود دارد که در جلسه پیشین به کیفیت ارث بردن زوجه از زوج پرداخته شد و روشن گردید که یک چهارم از اموال زوج به زوجهی او تعلق داشته و سه چهارم دیگر متعلق به امام علیه السلام و از منابع مالی حکومت اسلامی خواهد بود.

صورت دوم: انحصار وارث در زوج

صورت دوم برای انحصار وارث در زوج یا زوجه، فرضی است که زوجه از دنیا رفته و تنها وارث او، زوج باشد. درباره‌ی این مسئله، دو قول وجود دارد:

قول اول: نصف میراث متعلق به زوج بوده و نصف دیگر به امام علیه السلام تعلق خواهد داشت.

قول دوم: تمام میراث متعلق به زوج بوده و امام علیه السلام سهمی نخواهد داشت.

با توجه به اینکه بحث حاضر در منابع مالی حکومت اسلامی است، علی القاعده قول اول که مرتبط با این بحث است، مطرح می‌شود و در ادامه، ادله‌ی قول دوم به عنوان معارض مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اولین کسی که تعلق نصف مال به امام علیه السلام را مطرح کرده، علامه حلی در کتاب قواعد است که این نظریه را به برخی از فقها نسبت داده است. ایشان در این زمینه فرموده است: «للزوج مع الولد - ذکرا کان أو أنثی - أو ولد الولد و إن نزل - كذلك - الربع، و مع عدمهم أجمع النصف مع جميع الوراث، و الباقي للقريب إن وجد، فإن فقد فلمولی النعمة فإن فقد فلضامن الجريرة، فإن فقد قيل: یردّ علیه، و قيل: یكون للإمام، سواء دخل أو لا»^۱ بر اساس این عبارت، علامه حلی سهم زوج در صورت وجود فرزند را یک چهارم و در فرض عدم وجود فرزند را نصف بیان کرده‌اند. اما نصف دیگر را در فرض وجود خویشاوندان دیگر مثل مادر و پدر، متعلق به آنها دانسته و در مرحله‌ی بعد، متعلق به مولی و در مرحله بعد، متعلق به ضامن جریره دانسته است. اما نسبت به فرضی که صرفاً زوج وجود داشته باشد و هیچ یک از وارث‌های ذکر شده موجود نباشند، به دو نظریه اشاره کرده که نظریه‌ی اول، ردّ نصف دیگر به زوج است و بر اساس نظریه دوم، نصف دیگر متعلق به امام علیه السلام خواهد بود.

۱. قواعد الأحكام ۳: ۳۷۵.



جلسه: ۱۰۱
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بنابراین علامه حلی درباره‌ی فرضی که وارث زوجه، منحصر در زوج او باشد، نظریه‌ای از اصحاب نقل کرده است که نیمی از مال به امام علیه السلام تعلق داشته و جزو منابع مالی حکومت اسلامی محسوب می‌شود. اما نسبت به اینکه چه کسی قائل به این قول بوده، صاحب مفتاح الکرامه فرموده است: «و هذا القول لم أقف عليه مصرحاً به لأحد من الأصحاب»^۱. ایشان ادعا کرده کسی که به صراحت قائل به این قول شده باشد، در میان اصحاب پیدا نکرده است. اما خود ایشان دو مطلب نقل کرده که بعید نیست ظهورشان در همین مطلب باشد. مطلب اول از شیخ طوسی است که در دو کتاب خود تعابیری دارند که بعید نیست قائل به این نظریه باشند که نصف مال زوجه، متعلق به امام علیه السلام خواهد بود. ایشان در کتاب مبسوط فرموده‌اند: «فأما ذوا الأسباب فهم الزوج والزوجة، لهما حالتان حالة انفراد بالميراث وحالة اجتماع، فإذا انفردوا كان لهم سهمهم المسمى: إن كان زوجاً له النصف، وإن كانت زوجة فلها الربع، والباقي للإمام، وقال أصحابنا إن الزوج وحده يرد عليه الباقي لإجماع الفرقة عليه»^۲. بر اساس این عبارت، زن و شوهر در صورتی که تنها باشند، زوج، نصف میراث زوجه و زوج یک چهارم میراث زوج را به ارث خواهد برد و باقی برای امام علیه السلام خواهد بود. شیخ طوسی در کتاب الإيجاز فی الفرائض و الموارث نیز عبارتی مشابه مبسوط بیان کرده و کلام ایشان صرفاً از این جهت متفاوت است که بعد از بیان اینکه در فرض انحصار، هر کدام از زوج و زوجه، سهم المسمى خود - که نصف و یک چهارم است - را به ارث می‌برند، از تعبیر «و الباقي لبيت المال»^۳ استفاده کرده است. البته در ادامه فرموده است: «و قال أصحابنا إن الزوج وحده يردّ عليه الباقي بإجماع الفرقة على ذلك»^۴. بر اساس این عبارت، تمام میراث، متعلق به زوج خواهد بود و بر آن ادعای اجماع نیز شده است. اما ظاهر این است که شیخ طوسی در عین نقل ادعای اجماع، قائل به نظریه‌ی تعلق نصف میراث زوج در فرض انحصار وارث در زوج بوده است.

بنابراین شیخ طوسی در یک عبارت خود، مقدار مازاد بر سهم تعیین شده برای زوج را متعلق به امام علیه السلام دانسته و در عبارتی دیگر، تصریح به تعلق آن به بیت المال داشته است.

مطلب دیگر از مرحوم سلار است که در کلام ایشان آمده است: «قد بينّا أن: النصف للزوج مع عدم الولد، و الربع للزوجة مع عدمه، و إن مع وجوده: الربع للزوج و الثمن للزوجة. و إن كان له أربع زوجات فإن الثمن بينهما بالسوية. و في أصحابنا من قال: إذا ماتت امرأة و لم تخلف غير زوجها: فالمال كله له بالتسمية و الرد»^۵. بر اساس این عبارت، سلار تصریح کرده است که زوج، نصف میراث زوجه را به ارث خواهد برد. اما نسبت به نصف دیگر، به صراحت بیان نکرده است که متعلق به امام علیه السلام خواهد بود، اما با توجه به اینکه قول به اینکه نصف دیگر از باب رد به زوج داده می‌شود را به اصحاب نسبت داده است، استفاده می‌شود که این مطلب نظریه خود ایشان نبوده است و چه بسا تعلق آن نصف به امام علیه السلام را از باب اینکه واضح و روشن بوده، بیان نکرده است. بنابراین سلار نیز از قائلین به تعلق نصف میراث زوج در فرض انحصار وارث در زوج، به امام علیه السلام محسوب می‌شود. ظاهر علامه حلی در قواعد نیز توقف در این مسئله است؛ چون صرفاً دو قول از اصحاب نقل کرده و نسبت به هیچ یک فتوا نداده است.

۱. مفتاح الکرامه ۲۴: ۵۲۶.

۲. المبسوط ۴: ۷۴.

۳. رسائل الشيخ الطوسي (الإيجاز في الفرائض و الموارث) ۲۷۱.

۴. رسائل الشيخ الطوسي (الإيجاز في الفرائض و الموارث) ۲۷۱.

۵. المراسم ۲۲۲.



جلسه: ۱۰۱
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

اما همان طور که شیخ طوسی نقل کرده، قول دیگری وجود دارد که کل میراث زوجه، به زوج او تعلق خواهد داشت؛ یعنی نیمی از آن، از باب سهم او و نصف دیگر از باب ردّ به او داده می شود و شیخ طوسی دلیل بر این مطلب را اجماع فرقه نقل کرده است. سید مرتضی نیز در انتصار از قائلین به این نظریه بوده و آن را از منفرات امامیه دانسته و اجماع فرقه را به عنوان دلیل و حجت خود مطرح کرده است.^۱ برخی از فقها نیز ادعای شهرت کرده اند. به عنوان مثال فخر المحققین در شرح قواعد، با توجه به اینکه پدرشان از تعبیر «قیل للامام» استفاده کرده، دیگر نتوانسته ادعای اجماع داشته باشد، اما قول به تعلق همه‌ی میراث به زوج را مشهور دانسته است. بنابراین در فرض انحصار وارث زوجه در زوج، حداقل این است که قول به تعلق همه‌ی میراث به زوج مشهور است، اما نظریه‌ی دیگری در فقه شیعه مطرح است که نصف میراث متعلق به امام علیه السلام بوده و جزو بیت المال محسوب می شود.

دلیل بر تعلق نصف میراث زوجه به حکومت اسلامی

دلیل بر اینکه در فرض انحصار وارث زوجه در زوج، نصف میراث به امام علیه السلام و حکومت اسلامی تعلق دارد، ترکیبی از وارث بودن امام علیه السلام برای افراد بدون وارث و دو روایتی است که مفاد آن‌ها عدم ردّ بر زوج و زوجه و انحصار سهم آن‌ها در نصف و یک چهارم است؛ حتی اگر وارث دیگری وجود نداشته باشد. در نتیجه، نصف میراث زوجه بدون وارث خواهد بود که باید به امام علیه السلام داده شود.

نسبت به وارث بودن امام علیه السلام برای اشخاص بدون وارث، در مباحث پیشین به بحث پرداخته شده و این مطلب ثابت است. اما نسبت به اینکه به زوج و زوجه مازاد بر سهم آن‌ها رد صورت نمی گیرد، دو روایت قابل اشاره است:

روایت اول: روایت ابی عمر عبدی

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِي يُوسُفَ عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سُلَيْمَانَ عَنْ (أَبِي عَمَرَ الْعَبْدِيِّ) عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ: وَلَا يُزَادُ الزَّوْجُ عَلَى النِّصْفِ وَلَا يَنْقُصُ مِنَ الرُّبْعِ وَلَا تُزَادُ الْمَرْأَةُ عَلَى الرُّبْعِ وَلَا تَنْقُصُ مِنَ الثُّمَنِ وَإِنْ كُنَّ أَرْبَعًا أَوْ دُونَ ذَلِكَ فَهِنَّ فِيهِ سَوَاءٌ إِلَى أَنْ قَالَ الْفَضْلُ وَهَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى مُوَافَقَةِ الْكِتَابِ.^۲

در این روایت بیان شده است که زوج بیش از نصف ارث نخواهد برد که اطلاق آن شامل فرضی که وارث منحصر در زوج باشد، می شود و طبیعتاً در صورت انحصار وارث در زوج، نیمی از میراث بدون وارث خواهد بود که متعلق به امام علیه السلام است. در ذیل این روایت کلامی از فضل بن شاذان نقل شده که این حدیث را صحیح و موافق قرآن دانسته است؛ لذا فضل بن شاذان نیز از کسانی است که قائل به این قول بوده و ممکن است مقصود علامه حلی از «قیل للامام»، فضل بن شاذان بوده باشد. دو اشکال بر استدلال به روایت ابوعمر عبدی قابل بیان است:

اشکال اول: سند روایت به جهت اشتغال بر ابی عمر عبدی، لایث بن سلیمان و ابویوسف که مجهول هستند، معتبر نیست. اشکال دوم: در روایت به صراحت اشاره نشده است که حتی در فرض انحصار وارث در زوج، بیش از نصف به او داده نمی شود، بلکه اطلاق روایت چنین اقتضایی دارد و شامل فرض انحصار می شود. بنابراین اگرچه دلالت روایت قابل پذیرش است، اما استناد به آن

۱. الانتصار ۵۸۳.

۲. وسائل الشیعة ۲۶: ۱۹۷.



جلسه: ۱۰۱
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

متوقف بر این است که مخصص و مقید وجود نداشته باشد؛ چون اگر دلیل وجود داشته باشد که زوج در فرض انحصار، تمام میراث را به ارث خواهد برد، با روایت ابی عمر عبدی تعارض نخواهد داشت و مقدم بر آن می شود که نتیجه تقدیم این چنین می شود که زوج صرفاً در فرض اجتماع با سایر وراث، مازاد بر نصف سهم نخواهد داشت. اما در صورتی که تنها باشد، همه‌ی میراث زوج متعلق به او خواهد بود. بنابراین باید تمام بودن ادله قول دوم مورد بررسی قرار گیرد.

روایت دوم: روایت جمیل بن درّاج

وَعَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ بَنْتِ الْيَاسِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا يَكُونُ الرَّدُّ عَلَى زَوْجٍ وَلَا زَوْجَةٍ.^۱

این روایت نیز همانند روایت پیشین از حیث دلالت اطلاق دارد که بر زوج و زوجة مازاد بر سهم‌شان، رد صورت نمی گیرد؛ اعم از اینکه با وارث دیگری اجتماع داشته باشند و یا اینکه تنها باشند. بنابراین استناد به این روایت متوقف بر این است که مخصص و مقید وجود نداشته باشد.

اما به لحاظ سند، این روایت طبق مبنای ما با اشکال مواجه نیست؛ چون به نظر ما، طریق شیخ طوسی به علی بن حسن بن فضال معتبر است و در مباحث پیشین به صورت مفصل به این بحث پرداخته‌ایم. دو راوی بعد از علی بن حسن بن فضال نیز ثقة هستند. البته روایت به جهت علی بن حسن بن فضال موثق محسوب می شود. بنابراین نتیجه این چنین است که طبق این دو روایت که حداقل یکی از آنها معتبر است، کلام شیخ طوسی در مبسوط و سلار در مراسم قابل اثبات است.

دلیل بر عدم تعلق میراث زوج به حکومت اسلامی

در مقابل دو روایتی که برای تعلق نصف میراث زوج به حکومت اسلامی مطرح شد، ادله متعددی مطرح شده است که دلالت بر تعلق همه‌ی میراث زوج به زوج او می کنند که بر اساس این ادله، هیچ بخشی از میراث زوج جزو منابع مالی حکومت اسلامی محسوب نمی شود.

دلیل اول: اجماع

دلیل اول بر اینکه همه‌ی میراث زوج به زوج او می رسد و امام علیه السلام و حکومت اسلامی سهمی در میراث او ندارند، اجماع است. سید مرتضی از قدمایی است که به صراحت دلیل و حجت خود را اجماع طایفه دانسته است.^۲ البته این اجماع منقول است و همان طور که مکرر ذکر کرده‌ایم، اجماع منقول اساساً حجت نیست و بر فرض، کبرویاً حجت باشد، مدرکی یا محتمل المدرک است و باید به مدرک آن مراجعه گردد.

دلیل دوم: روایات

دلیل دوم بر اینکه همه‌ی میراث زوج متعلق به زوج او است، تعدادی از روایات است.

۱. وسائل الشیعة ۲۶: ۱۹۹.

۲. الانتصار ۵۸۳.



جلسه: ۱۰۱
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

روایت اول: روایت محمد بن قیس

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي امْرَأَةٍ تُوْفِّتْ وَلَمْ يَعْلَمْ لَهَا أَحَدٌ وَلَهَا زَوْجٌ قَالَ الْمِيرَاثُ لِزَوْجِهَا.^۱

در این روایت درباره‌ی زنی سؤال شده است که از دنیا رفته و به جز شوهرش، وارثی برای او مشخص نشده است. امام علیه السلام در پاسخ فرموده است که میراث زوجه برای زوج او خواهد بود که ظهور این تعبیر در این است که همه‌ی میراث برای زوج خواهد بود؛ چون تعلق نصف میراث به زوجه، روشن و واضح است و اساساً نکته سؤال شک در نصف دیگر بوده که امام علیه السلام تمام مال را متعلق به زوج دانسته است. بنابراین دلالت روایت بالاتر از اطلاق است. علاوه بر اینکه کلام امام علیه السلام طبق نقل شیخ کلینی، به صورت «الْمِيرَاثُ كُلُّهُ لِزَوْجِهَا»^۲ است که به صراحت تعلق تمام مال به زوج را بیان کرده است و دیگر از باب اطلاق نیست. سند شیخ کلینی به صورت «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ جَمِيعاً عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ» است که با مشکلی مواجه نیست و معتبر است.

البته ممکن است ادعا شود که این روایت با شبهه‌ای مواجه است؛ چون در آن تعبیر «لَمْ يَعْلَمْ لَهَا أَحَدٌ» به کار رفته که از آن به ذهن خطور می کند که امام علیه السلام حکم ظاهری را بیان کرده اند، اما با توجه به اینکه روایات متعددی در این زمینه نقل شده است، این شبهه مرتفع می گردد. علاوه بر اینکه تعدد روایات موجب وثوق به صدور می شود و لذا نسبت به روایات، بررسی سندی نیز صورت نمی گیرد.

روایت دوم: روایت مثنی بن ولید

و [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يُونُسَ عَنْ مِثْلِيِّ بْنِ الْوَلِيدِ الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ امْرَأَةً مَاتَتْ وَ تَرَكَتْ زَوْجَهَا قَالَ الْمَالُ كُلُّهُ لَهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهَا وَارِثٌ غَيْرُهُ.^۳

این روایت به لحاظ عدم وجود وارث دیگر و همچنین تعلق همه‌ی مال به زوج، صریح و روشن است.

روایت سوم: روایت اسماعیل بن عبدالرحمن

و [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي امْرَأَةٍ مَاتَتْ وَ تَرَكَتْ زَوْجَهَا قَالَ الْمَالُ لِلزَّوْجِ يَعْنِي إِذَا لَمْ يَكُنْ وَارِثٌ غَيْرُهُ.^۴

۱. وسائل الشیعة ۲۶: ۱۹۷.

۲. الکافی ۷: ۱۲۵.

۳. وسائل الشیعة ۲۶: ۱۹۹.

۴. وسائل الشیعة ۲۶: ۲۰۰.



جلسه: ۱۰۱
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

در این روایت سؤال از زوجه‌ای است که از دنیا رفته و زوج او باقی مانده است. امام علیه السلام در این فرض، میراث زوجه را متعلق به زوج او دانسته است. البته در ادامه‌ی روایت، با استفاده از تعبیر «یعنی»، تبیین شده که تعلق همه‌ی مال به زوج، مربوط به زمانی است که زوجه وارث دیگری نداشته باشد. بعید به نظر می‌رسد که این تعبیر توسط امام علیه السلام بیان شده باشد؛ لذا قابل استدلال نیست، اما اساساً نیازی به این تبیین وجود ندارد؛ چون ظهور تعبیر «تَرَكَتْ زَوْجَهَا» در این است که تنها وارث، زوج بوده است.

روایت چهارم: روایت سوید بن ایوب

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ فِي بَصَائِرِ الدَّرَجَاتِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سُؤَيْدِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَهُ فِدْعًا بِالْجَامِعَةِ فَنَظَرُ فِيهَا أَبُو جَعْفَرٍ فَإِذَا امْرَأَةٌ تَمُوتُ وَتَرَكَتْ زَوْجَهَا لَيْسَ لَهَا وَارِثٌ غَيْرُهُ فَقَالَ لَهُ الْمَالُ كُلُّهُ.^۱

در این روایت نیز به صراحت بیان شده است که در صورت منحصر بودن وارث زوجه در زوج، همه‌ی مال برای او خواهد بود. البته روایت در بصائرالدرجات نقل شده و اینکه بصائرالدرجاتی که در حال حاضر موجود است، همان بصائرالدرجات اصلی باشد، محل کلام است. اما تعدّد روایات موجب می‌شود که این مطلب ضرری به استدلال وارد نکند.

روایت پنجم تا یازدهم: روایاتی از ابوبصیر

علاوه بر روایات ذکر شده، روایات متعدّدی توسط ابوبصیر نقل شده که در آنها به تعلق همه‌ی میراث زوجه به زوج او در فرض انحصار دلالت دارند.

روایت اول: وَعَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ] عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَفَضَالَةَ جَمِيعاً عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَرَأَ عَلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ فَرَائِضَ عَلِيٍّ عَ فَإِذَا فِيهَا الزَّوْجُ يَحُوزُ الْمَالَ إِذَا لَمْ يَكُنْ غَيْرُهُ.^۲
سند این روایت موثق است.

روایت دوم: وَعَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ] عَنِ النَّضْرِ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحَرِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فِدْعًا بِالْجَامِعَةِ فَنَظَرُ فِيهَا فَإِذَا امْرَأَةٌ مَاتَتْ وَتَرَكَتْ زَوْجَهَا لَا وَارِثَ لَهَا غَيْرُهُ الْمَالُ لَهُ كُلُّهُ.^۳

«جامعه» همان کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام است که در روایت پیشین از آن با عنوان «فرائض» یاد شده است و امام صادق علیه السلام با نظر در آن بیان کرده‌اند که همه‌ی میراث زوجه به زوج او در فرض انحصار می‌رسد.

۱. وسائل الشیعة ۲۶: ۲۰۰-۲۰۱.

۲. وسائل الشیعة ۲۶: ۱۹۷.

۳. وسائل الشیعة ۲۶: ۱۹۷-۱۹۸.



جلسه: ۱۰۱
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

شیخ کلینی هم این روایت را با سند «عنه [علی بن ابراهیم] عن محمد بن عیسی عن یونس عن یحیی الحلبي عن ایوب بن الحر عن أبي بصير»^۱ نقل کرده است.

روایت سوم: و عنه [محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد] عن القاسم عن علي بن أبي بصير عن أبي جعفر قال: سألتُه عن المرأة تموت ولا تترك وارثاً غير زوجها قال الميراث له كله.^۲

ظاهر این است که مقصود از «علی»، علی بن ابی حمزه بطائنی است. شیخ کلینی هم این روایت را با سند «عنه [حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد بن سماعة] عن عبد الله بن جبلة عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير»^۳ نقل کرده است.

روایت چهارم: و [محمد بن الحسن] باسناده عن أحمد بن محمد بن عیسی عن معاوية بن حکیم عن إسماعيل عن أبي بصير قال: سألت أبا جعفر عن امرأة ماتت وترك زوجها لا وارث لها غيره قال إذا لم يكن غيره فله المال الحديث.^۴

روایت پنجم: و عنه [محمد بن الحسن باسناده عن أحمد بن محمد بن عیسی] عن محمد بن عیسی عن محمد بن أبي عمير عن ابن مسكان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع في حديث قال: قلت له امرأة ماتت وترك زوجها قال المال له.^۵

روایت ششم: محمد بن یعقوب عن علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن ابن مسكان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال: قلت امرأة ماتت وترك زوجها قال المال له قال معناه لا وارث لها غيره.^۶

این روایت به لحاظ مفاد کاملاً مطابق روایت پیشین است، با این تفاوت که آن روایت را شیخ طوسی، و این روایت را شیخ کلینی نقل کرده است. ظاهر این است که هر دو، یک روایت هستند. البته در ذیل این روایت عبارتی وجود دارد که ظاهراً کلام امام علیه السلام نیست و توسط راوی بیان شده است.

روایت هفتم: و عنه [محمد بن یعقوب عن علي بن ابراهيم عن أبيه] عن محمد بن عیسی عن یونس عن أبي بصير عن أبي جعفر قال: سألتُه عن المرأة تموت ولا تترك وارثاً غير زوجها فقال الميراث له كله.^۷

روایت هشتم: و [محمد بن یعقوب] عن حميد بن زياد عن الحسن بن محمد بن سماعة عن وهب عن أبي بصير عن أبي جعفر في امرأة توفيت وترك زوجها قال المال (كله) للزوج يعني إذا لم يكن لها وارث غيره.^۸

در ذیل این روایت نیز اضافه ای وجود دارد که به نظر می رسد از امام علیه السلام نیست.

روایت نهم: و [محمد بن یعقوب] عن عده من أصحابنا عن سهل بن زياد عن علي بن أسباط عن عبد الله بن المغيرة عن عنبسة بن جابر القصب عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال: قلت له امرأة هلكت وترك زوجها قال المال كله للزوج.^۹

۱. الکافی ۷: ۱۲۵.

۲. وسائل الشیعة ۲۶: ۱۹۸.

۳. الکافی ۷: ۱۲۵.

۴. وسائل الشیعة، ۲۶: ۱۹۸.

۵. وسائل الشیعة ۲۶: ۱۹۸.

۶. وسائل الشیعة ۲۶: ۱۹۹.

۷. وسائل الشیعة ۲۶: ۱۹۹.

۸. وسائل الشیعة ۲۶: ۲۰۰.

۹. وسائل الشیعة ۲۶: ۲۰۰.



جلسه: ۱۰۱
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

روایت دهم: وَ عَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ] عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُكَيْنٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ مُشْمَعِلٍّ وَ عَنِ ابْنِ رِبَاطٍ عَنْ مُشْمَعِلٍّ كُلِّهِمْ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَرَأَ عَلِيٌّ أَبُو جَعْفَرٍ فِي الْفَرَائِضِ امْرَأَةً تُؤْفِيَتْ وَ تَرَكَتْ زَوْجَهَا قَالَ الْمَالُ لِلزَّوْجِ وَ رَجُلٌ تُؤْفِي وَ تَرَكَ امْرَأَتَهُ قَالَ لِلْمَرْأَةِ الرُّبْعُ وَ مَا بَقِيَ فَلِلْأَمِّ.^۱
روایت یازدهم: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي امْرَأَةٍ مَاتَتْ وَ تَرَكَتْ زَوْجَهَا قَالَ الْمَالُ كُلُّهُ لَهُ قُلْتُ فَالْجُلُ يَمُوتُ وَ يَتْرُكُ امْرَأَتَهُ قَالَ الْمَالُ لَهَا.^۲

این روایت به لحاظ سندی موثق یا صحیح است و در مسأله پیشین نیز به عنوان معارض برای ادله‌ی مطرح شده ذکر گردید. البته صدر آن دیگر معارض ندارد.

تاکنون به یازده روایت از ابوبصیر درباره‌ی ارث بردن تمام میراث زوجه توسط زوج اشاره گردید. البته ممکن است تعدادی از این روایات، روایت واحدی بوده باشند که به صورت جداگانه نقل شده است، اما حداقل این است که هفت یا هشت روایت محسوب می‌شوند. برخی از این روایات، صحیح، برخی موثق و تعدادی از آن‌ها نیز دارای اشکال سندی هستند. در کنار روایات ابوبصیر، به چهار روایت دیگر اشاره گردید که مجموعاً مفاد این پانزده روایت مبنی بر تعلّق همهی میراث زوجه به زوج در فرض انحصار وارث در او، موثوق الصدور بلکه قطعی الصدور است. با این لحاظ، دو روایتی که دلالت بر عدم ردّ بر زوج و زوجه می‌کنند و به اطلاق خود شامل فرض انحصار وارث در زوج یا زوجه دارند، تقیید زده شده و حمل بر فرضی می‌شوند که در کنار زوج، وارث دیگری وجود داشته باشد.

بنابراین اینکه قسمتی از میراث زوجه، در فرض انحصار وارث در زوج، جزو منابع مالی حکومت اسلامی شمرده شده است، برای ما ثابت نیست، بلکه عکس آن ثابت است که اگر زنی دنیا برود و تنها وارث او، همسرش باشد، تمام اموال به همسر او می‌رسد و هیچ مالی به حکومت اسلامی نمی‌رسد.

۱. وسائل الشیعة ۲۶: ۲۰۲.

۲. وسائل الشیعة ۲۶: ۲۰۳.